

**Mirza Font Testing Document Mirza-Medium.ttf 7
pt**

March 2, 2016

خوشنویسی

خوشنویسی یا خطاطی به معنی زیبانویسی یا نوشتن همراه با خلق زیبایی است و فردی که این فرایند توسط او انجام می‌گیرد خوش نویس نام دارد، به‌خصوص زمانی که خوش نویسی حرفه ی شخصی باشد. گاهی درک خوشنویسی به عنوان یک هنر مشکل است. به نظر می‌رسد برای درک و لذت بردن از تجربه بصری خوشنویسی باید بدانیم خوشنویس افزون بر نگارش یک متن، سعی داشته اثری هنری با ارزش‌های زیبایی شناختی خلق کند.[۱] از این رو خوشنویسی با نگارش ساده مطالب و حتا طراحی حروف و صفحه‌آرایی متفاوت است. همچنین از آنجایی که این هنر جنبه‌هایی از سنت را در دل خود دارد باید آن را تا حدی از تاپوپگرافی که مبتنی بر ارزش‌های گرافیکی مدرن و کارهای چاپی است متمایز کرد. خوشنویسی تقریباً در تمام فرهنگ‌ها به چشم می‌خورد اما در مشرق زمین و به‌ویژه در سرزمین‌های اسلامی و ایران در قله هنرهای بصری واقع است. خوشنویسی اسلامی و بیش از آن خوشنویسی ایرانی تعادلی است حیرت‌انگیز میان تمامی اجزا و عناصر تشکیل دهندهٔ آن. تعادل میان مفید و مورد مصرف بودن از یک سو و پویایی و تغییر شکل پابندگی آن از سوی دیگر؛ تعادل میان قالب و محتوا که با آراستگی و ملایمت تام و تمام می‌تواند شکل مناسب را برای معانی مختلف فراهم آورد. اگر در نظر داشته باشیم که خوشنویسی اسلامی و ایرانی براساس قالب‌ها و قواعد و نظام‌های بسیار مشخصی شکل می‌گیرد و هر یک از حروف قلم‌های مختلف از نظام شکلی خاص، و تا حدود زیادی غیرقابل تغییر، برخوردارند. آنگاه درمی‌یابیم که ایجاد قلم‌های تازه و یا شیوه‌های شخصی خوشنویسان بر مبنای چه ابداع و رعایت حیرت‌انگیزی پدیدار می‌شود. در خوشنویسی اندازه هر حرف و نسبت آن با سایر حروف با دقت بسیار بالایی معین شده‌است و هر حرف به صورت یک «مدول» ثابت درمی‌آید که تخطی از آن به‌منزله نادیده گرفتن توافقی چندصدساله‌است که همیشه میان خوشنویس و مخاطب برقرار بوده و با رضایت طرفین حاصل می‌آمده‌است. حتی ترتیب شکل کلمات نیز براساس مبانی مشخصی تعیین می‌شده که در «رسم‌الخط»‌ها و «آداب‌المنق»‌ها از جانب اساتید بزرگ تنظیم و ارائه شده‌است. قرارگیری کلمات نیز- یعنی «کرسی»- هر سطر هر چند نه به صورت کاملاً پیش‌بینی و تکلیف شده - که ناممکن بوده‌است - اما به‌شکل «سلیقه مطلوب» زمینه زیبایی شناختی پیشنهادی خاص خود را دارا بوده‌است.

خوشنویسی اسلامی خوشنویسی همواره برای مسلمانان اهمیتی خاص داشته‌است. زیرا در اصل آن را هنر تجسم کلام وحی می‌دانسته‌اند. آنان خط زیبا را نه فقط در استنساخ قرآن بلکه در اغلب هنرها به‌کار می‌بردند.[۵] خوشنویسی یا خطاطی در کلیه کشورهای اسلامی همواره به عنوان والاترین هنر مورد توجه بوده است. مردمان این سرزمین‌ها به‌ویژه ایرانیان در اوج قدرت و نهایت ظرافت در این هنر تجلی یافت و خوشنویسی به مانند محوری در میان سایر هنرهای بصری ایفای نقش کرده‌است. خوشنویسی از قرون اولیه اسلامی تا کنون در کلیه کشورهای اسلامی و مناطق تحت نفوذ مسلمانان با حساسیت و قدرت تمام در اوج جریانات هنری بوده‌است. قدیمی‌ترین نسخه قرآن به خط کوفی است و به علی بن ابی‌طالب منسوب است. پس از قرن پنجم هجری، خط کوفی تقریباً جای خود را به خط نسخ داد که حروف آن بر خلاف حروف زاویه‌دار خط کوفی منحنی و قوس‌دار است.[۶] در اوایل قرن چهارم سال ۳۱۰ هجری قمری ابن مقله بیضاوی شیرازی خطوطی را بوجود آورد که به خطوط ششگانه یا اقلام سته معروف شدند که عبارتند از[]: محقق، ریحان، ثلث، نسخ، رقاغ و توقیع. که وجه تمایز آنها اختلاف در شکل حروف و کلمات و نسبت سطح و دور در هر کدام می‌باشد. همچنین او برای این خطوط قواعدی وضع کرد که به اصول دوازده‌گانه خوشنویسی معروفند و عبارتند از: ترکیب، کرسی، نسبت، ضعف، قوت، سطح، دور، صعود مجازی، نزول مجازی، اصول، صفا و شأن.[۷] یک قرن بعد از ابن مقله، ابن یوواب برای خط نسخ قواعدی تازه ایجاد کرد و این خط را کامل نمود در قرن هفتم جمال الدین یاقوت مستعصمی به این خط جان تازه‌ای بخشید و قرآن کریم را برای چندین بار کتابت نمود.[۸]

خوشنویسی ایرانی درحالی که عمدهٔ تبدیل نگارش معمولی کلمات به خوشنویسی هنرمندانه به عهده ایرانیان بوده‌است، رفته رفته ایرانیان سبک و شیوه‌هایی مختص به خود را در خوشنویسی ابداع کردند. هرچند این شیوه‌ها و قلم‌های ابداعی در سایر کشورهای اسلامی هم طرفدارانی دارد اما بیشتر مربوط به ایران و کشورهای تحت نفوذ آن همچون کشورهای آسیای میانه، افغانستان، پاکستان و هند می‌باشد. در این منطقه نیز خوشنویسی همواره به عنوان والاترین شکل هنرهای بصری مورد توجه بوده و دارای لطافتی خاص است. در ایران پس از فتح اسلام، خطاطی به شیوهٔ نسخ وجود داشت. در زمان حکومت بخانیان، اوراق مذهب کتاب‌ها نخستین بار با نقش‌های تزیینی زینت یافت. در زمان حکومت تیموریان در ایران، خط و خوشنویسی به اوج کمال خود رسید. میرعلی تبریزی با ترکیب خط نسخ و تعلیق، خط نستعلیق را بنیان نهاد. مشهورترین خطاط قرآن در این دوره بایسقر میرزا بود.[۹] آنچه که به عنوان شیوه‌ها یا قلم‌های خوشنویسی ایرانی شناخته می‌شود بیشتر برای نوشتن متون غیر مذهبی نظیر دیوان اشعار، قطعات ظریف هنری و یا برای مراسلات و مکاتبات اداری ابداع شده و به‌کار رفته‌است. این در حالی است که خط نزد اعراب و ترکان عثمانی بیشتر جنبه دینی و قدسی داشته‌است. هرچند آنان نیز برای امور مشتی‌گری و غیر مذهبی قلم‌هایی را بیشتر به‌کار می‌برد، اما اوج هنرنمایی آنان - بر خلاف خوشنویسان ایرانی- در خط ثلث و نسخ و کتابت قرآن و احادیث قابل رویت است. در ایران نیز برای امور مذهبی مانند کتابت قرآن یا احادیث و روایات و همچنین کتیبه‌نویسی مساجد و مدارس مذهبی بیشتر از خطوط ثلث و نسخ بهره می‌گرفتند که نزد اعراب رواج بیشتری دارد. هرچند ایرانیان در این قلم‌ها نیز شیوه‌هایی مجزا و مختص به خود آفریده‌اند. خط تعلیق را می‌توان نخستین خط ایرانی دانست. خط تعلیق که ترسل نیز نامیده می‌شد از اوایل قرن هفتم پا به عرصه گذاشت و حدود یکصد سال دوام داشتند که تعلیق از ترکیب خطوط نسخ و رقاغ به وجود آمد و کسی که این خط را قانونمند کرد خواجه تاج سلمانی بود. که بعدها به وسیله خواجه عبدالحی منشی استر ابادی بدان قواعد و اصول بیشتری بخشیده شد.[۱۰] پس از خط تعلیق که نخستین خط شکل گرفته ایرانی بود. در قرن هشتم میرعلی تبریزی (۸۵۰ هجری قمری) از ترکیب و ادغام دو خط نسخ و تعلیق خطی بنام نسختعلیق بوجود آورد که نام آن در اثر کثرت استعمال به نستعلیق تغییر پیدا کرد. این خط بسیار مورد اقبال واقع شد و موجب تحول عظیمی در هنر خوشنویسی گردید.[۱۱] و بعدها در دوران شاه عباس صفوی به دست میرعماد حسنی به اوج زیبایی و کمال رسید. خط نستعلیق علاوه بر خوشنویسانی که در حیطه ایران کنونی می‌زیستند. در خراسان بزرگ و کشورهای آسیای میانه، افغانستان و به‌ویژه خوشنویسان دربار کورانیان در هندوسان (که تعلق خاطر ویژه‌ای به فرهنگ ایرانی داشتند) رشد و پیشرفت قابل توجهی کرد. بطور کلی قرنهای نهم تا یازدهم هجری را می‌توان قرن‌های درخشان در هنر خوشنویسی در ایران دانست. در اواسط قرن یازدهم سومین خط خالص ایرانی یعنی شکسته نستعلیق به دست مرثضی قلی خان شاملو حاکم هرات با تغییر دادن خط نستعلیق ابداع شد. علت پیدایش آن را می‌توان به سبب نیاز به تندنویسی و راحت‌نویسی در امور مشتی‌گری و بیش از آن ذوق و خلاقیت ایرانی دانست. همانطوری که بعد از پیدایش خط تعلیق، ایرانیان به‌خاطر سرعت در کتابت، شکسته تعلیق آن‌را نیز بوجود آوردند.[۱۲] درویش عبدالمجید طالقانی این خط را به کمال رساند. در دوران قاجار خط کاربرد اصلی خود یعنی کتابت را از دست داد. از یک سو با تأکید و توسعه سیاه‌مشق نویسی به سمت هنر ناب رفت و از دیگر سو با پدید آمدن روزنامه‌ها و چاپ سنگی خود را به هنرهای کاربردی نزدیک شد. در دوران پهلوی روند نیازهای مدرن تجاری و تبلیغی خط را از کنج کتابخانه‌ها و مجموعه‌های خصوصی به بستر اجتماع کشاند و جریانات هنری مدرنی شیوه‌هایی چون نقاشیخط را به‌وجود آوردند که کمالات مورد توجه محافل هنری جهان است. در سالهای پس از انقلاب اسلامی خوشنویسی با اقبال عمومی روبرو شد و انجمن خوشنویسان ایران که در سال ۱۳۲۹ تشکیل شده بود نقش بارزی در رشد و توسعه کمی و کیفی این هنر به عهده گرفت. همچنین خطی به نام معلی در سال‌های اخیر با تأثیر از خطوط اسلامی - ایرانی ثلث و شکسته نستعلیق توسط آقای حمید عجمی ابداع گردید که تاحدی مورد استقبال قرار گرفت. آخرین دسآورد خوشنویسی ایران را می‌توان به ابداعات خوشنویسی سبحان مهرداد محمدپور اشاره کرد ، خط سبحان که خط قانونمند همانند نسخ و ثلث بوده و قابلیت کتابت و کتیبه نویسی فارسی و عربی را دارا می باشد و آن را در دسته ی خطوط کامل همانند خطوط شش گانه قرار داده اند.

فی الخط فی الخط وهو نوع من الفنون البصرية. وهو غالبا ما يطلق على فی الكتابة (Mediavilla) (۱۹۹۶). (۱۷). والتعريف المعاصر لممارسة فی الخط العربي هو "فن إعطاء شكل للعلامات بطريقة معينة، ومتماعمة، وماهرة" (Mediavilla) (۱۹۹۶: 18). قصة الكتابة هي واحدة من التطور الجمالي متجدد في إطار المهارات التقنية، وسرعات الانتقال وتحديد المواد، الزمان والمكان من الشخص (Diringer) (۱۹۶۸: ۴۴1). ويوصف نمط معين من الكتابة بأنه نصي، أو نسخ أبجدي (فریزر و Kwiatkowski ۲۰۰۶ ؛ جوستون ۱۹۰۹: بلايت ۶). يتراوح الخط الحديث من كتابات وتصاميم خط اليد اللويطيفي إلى القطع الفنية حيث التعبير المجرد للعلامات المكتوبة بخط اليد التي قد تحل أو لا تحل محل قراءة الحروف (Mediavilla) (۱۹۹۶). يختلف الخط العربي الكلاسيكي عن الطباعة وعن خط اليد الغير تقليدي، وإن كان الخطاط قد يبتكر كل هؤلاء ؛ وهي تاريخيا حروف منظمة ومع ذلك سلسلة وتلقائية ومرتجلة في لحظة الكتابة

(یوت ۲۰۰۶ ۲۰۰۵ Zapf؛ ۲۰۰۶ و یسمر الخط العربی فی الأذهار فی أشكال دعوات الزواج والأحداث، وتصمیم بنط / الطباعة، وتصمیم الشعار باستخدام خط النسخ، والفسن الديني، والإعلانات / التصمیم الجرافيكي / وفن الخط، والنقش على القطع الحجرية ووثيقة العزاء. ويستخدم أيضا من أجل الأثاث والصور المتحركة للسينما والتلفزيون، والشهادة في القضايا، وشهادات الميلاد والوفاة، والخرائط، وغيرها من الأعمال التي تنطوي على الكتابة.

الأدوات الأداة الرئيسية في فن الخط هو القلم، مشطوف الرأس والمديب و الريشة. وهناك المحبرة عبارة عن حبر زيتي القوام يستخدم في الكتابة. وكذلك من ادوات الخط الورق عالي الجودة.

الفنون البصرية الفنون البصرية هي الأشكال الفنية التي تركز على إنشاء الأعمال التي هي في المقام الأول مرئية في الطبيعة، مثل الفنون التشكيلية التقليدية (الخزف، الرسم، الرسم الفني، النحت، العمارة، والطباعة). الفنون البصرية الحديثة (التصوير الفوتوغرافي، الفيديو وصناعة الأفلام)، والتصميم والحرف اليدوية. العديد من التخصصات الفنية (الفنون المسرحية، فنون اللغة، فنون النسيج وفن الطهي) تنطوي على جوانب من الفنون البصرية، بالإضافة إلى أنواع أخرى، وبالتالي فإن هذه التعريفات ليست دقيقة. والمفهوم المتغير. الاستخدام الحالي لمصطلح "الفنون البصرية" يتضمن الفنون الجميلة بالإضافة إلى الحرف اليدوية، ولكن هذا ليس هو الحال دائما. قبل حركة الفنون والحرف اليدوية في بريطانيا وأماكن أخرى في مطلع القرن 20th "الفنان التشكيلي" يعود على الشخص الذي يعمل في مجالالفنون الجميلة (مثل الرسم، النحت، أو الطباعة) وليس مجال الاشغال اليدوية والحرفية، أو من يطبق ضوابط الفن. وأكد التمييز من قبل فنانين من مجال الفنون والحرف الحركية الذين يقدرن أشكال الفن العامة بقدر الأشكال الاعمى. الحركة تتناقض مع المتحررون الذين سعوا لحجب الفنون العالية عن الجماهير من خلال إبقائها مقصورة على فئة معينة من الناس. [بحاجة لمصدر] مدرسة الفن تفرق بين الفنون الجميلة والحرف اليدوية في مثل هذه الطريقة التي لا يمكن اعتبار الحرفيين ممارسون للفن.

فن الكمبيوتر الفنانين البصريين لم يعد يقتصر عمله على وسائل الفن التقليدي. أجهزة الكمبيوتر قد تؤدي إلى تعزيز الفنون البصرية من سهولة [O]، [O] أو قالب:DN:التحرير، لاستكشاف مكونات متعددة، للطباعة (بما في ذلك الطباعة ثلاثية الأبعاد. فن الكمبيوتر هو فن يكون للكمبيوتر دورا من إنتاج أو عرض العمل الفني. هذا الفن يمكن أن يكون صورة، صوت، صور متحركة، فيديو، أقراص مضغوطة، دي في دي، لعبة فيديو، موقع، خوارزمية، أداء، أو تثبيت معرض رسوم. العديد من التخصصات التقليدية التي تقوم بدمج التقنيات الرقمية و، نتيجة لذلك، الخطوط بين العمل التقليدي للفن وعمل الوسائل الجديدة التي تم إنشاؤها باستخدام أجهزة الكمبيوتر كانت غير واضحة. على سبيل المثال، الفنان قد يجمع بين الرسم التقليدي مع الفن الحاسبي وغيرها من التقنيات الرقمية. نتيجة لذلك، تحديد فن الكمبيوتر بواسطة منتجها النهائي يمكن أن يكون صعبا. ومع ذلك، هذا النوع من الفن قد بدأ بالظهور في المتاحف والمعارض الفنية، على الرغم من أنه لم تثبت شرعيتها بعد بوصفها شكلا قائما بذاته وهذه التكنولوجيا على نطاق واسع في الفن المعاصر تعتبر كأداة أكثر من أنها شكلا من أشكال الفن كما هو الحال مع التصوير الزيتي. استخدام الكمبيوتر حجب الفرق بين الرسامون، المصورون، محررين الصور، النماذج ثلاثية الأبعاد، وفنانو الحرف اليدوية. برامج التحرير والتقديم المتطورة أدت إلى تعدد مهارات مطورين الصور. قد يصبح المصورين فنانين رقميين قد يصبح الرسامين صانعو رسوم متحركة. الحرف اليدوية قد تصبح بمساعدة الحاسوب أو استخدام الكمبيوتر لتوليد الصور كقالب. استخدام مقاطع الكمبيوتر الفنية جعلت التمييز الواضح بين الفنون البصرية ومخطط الصفحة أقل وضوحا بفضل سهولة الوصول وتحرير المقاطع الفنية في عملية ترقيم صفحات الوثيقة، وخاصة للمراقبين الذين يفترضون للبراعة.

آرت آرٹ ایسے کم یا کماں نوں اکھیا جاندا اے جیدے وچ چیزاں نوں نشاناں نال اینج دسیا جاندا اے جے اوہ سوہنیاں لکھن . آرٹ دی بنی شی کوئی کہانی دسدی اے یا صرف کوئی سوہنا سچ یا مسوس ہون والا جذبہ . اسانیکوپیدا بریتانیکا آرٹ نوں اینج دسدا اے،" اوہ سوہنیاں شیواں، محول، یا تجربیاں، جنہاں نوں دوجیاں نوں وی دسیا جا سکے تے جنہاں دے بنان وچ سوچ تے کر نوں ورتیا گیا ہوئے" ایجھے آرٹ وچ مورخان (Painting) بنی بنانا(Sculpture)، تے فونوگرافی آندے نیں .آرکینیکچر نوں وی ویکھے جان والے آرٹ وچ گنیا جاندا اے پر اوہدے وچ اوس شے تے کم لینا اوہدے بنان دا مذہ ہوندا اے .موسیقی، تھیٹر، فلم نوں آرٹ نال رلایا جاسکدا اے .آرٹ فلاسفی دی اک ونڈ اے جیدے وچ ایدی اصل ایذا بنانا تے ایہوں دسا آندے نیں .آرٹ اک ول یا راہ اے اسانی سوچ یا جذبے نوں دسن یا کسے بور تک اپڑاں لئی .ارسطو دی فلاسفی وچ آرٹ اک ودیا تے آئیڈیل نقل (Mimesis) اے .لیو ٹالسٹائی ایہنو اک ہندے نوں دوجے ہندے تک گل اپڑاں دا پنھا ول کیندا اے .مارٹن ہائیڈگر دی اکھ وچ آرٹ اک ایسا ول اے جیدے راہیں کوئی سنگت اپنا آپ دسدی اے

تریخ وینس ولندورف آرٹ دے سب توں پرانے نمونے پتھر ویلے توں لہدے نیں وینس ولندورف 24,000 توں 22,000 م پ دی اک زناتی دی پتھر دی بنی مورتی اے جیہڑی آسٹریا توں لمبی سی لاسکو، فرانس وچ زمیں دے اندر غاراز وچوں 17,300 ورے پرانیاں جانووار تے انساناں دیاں مورخان کنداں تے بنیاں ملیاں نیں .ایہناں وچ انسان شکار کردا دسیا گیا اے .وشکارلہ پتھر ویلہ 6000-8000 م پ لنگان تے نیولتھک ویلے 3000-6000 م پ وچ انسان تے واتی بیجی تے اک تھان تے تک کر رہنا سکھیا، ریتلاں گنجلیاں ہویاں تے مذہب تے وی ماننا پاتی تے انسان تے اپنے فیدے لئی بھہ نال کئی چیزاں بنادیاں سکھیاں تے فیر کاسی ویلے 1000-3000 م پ وچ پھلیاں انساناں ریتلاں پونگریاں .پرانے مصر، پرانے عراق، فارس، بڑیہ ریتل، چین، پرانے یونان، روم تے انکا تے مایا دیاں ریتلاں تے اپنیاں آرٹ دیاں ریتاں اپنیاں ضرورتاں تے اپنے کول ہون والیاں شیواں توں بنایاں .آرٹ اوڊوں لکھاتی دے بنی نال ٹردا اے .لکھاتی اپنے مذہ ویلے توں تے بہار دے کم نوں سوکھا تے لین دین نوں یاد رکھن لئی بنی .لکھاتی پھلے مورخان نال تے فیر وازاں نوں نشان دے کے تے اوہناں نوں جوڑ کے بناتی جاندی اے

پرانہ عراق پرانے عراق دا آرٹ دجلہ تے فرات دے دریاواں دے وشکار 6 ہزار ورے پھلے توں اوتھے پونگرن والیاں اشوری، سمیری، کالدی، ریتلاں وچ بنیا ایہوں دے آرکینیکچر وچ ات تے ذات دا ورس شی تے ایدے نال زکورت، مندر تے وکھریاں پدھراں والے برم بنائے کئے .محلان وچ وکھریاں پدھراں تے سوہنے رکھ لائے کئے جیہڑے پرانی دنیا دیاں 7 نوپکلیاں شیواں وچوں سس .بتی بنان دا ول لکڑ نوں چھل کے تے نقش دیکی پتھر نال بنیا تے ایہناں نال مذہبی، شکاری تے فوجی وکھالے انساناں تے جانوراں نال بنائے جاندے سس .سمیری ویلے وچ نکیاں بنیاں جنان دے کبارے تکھے، رنگے پتھر دیاں، گنجے سر تے چھاتیاں تے ہتھ سس .اکادی ویلے دیاں بتیاں دے سر دے وال لمے تے داڑیاں سس جیویں تارام سیں .عموری ویلے دیاں بتیاں نوں لاگاش گڈیا وچ سمجیا جاسکدا اے جیدے چ گڈیا تے چادر سر تے نویی تے ہتھ چھاتی تے رکھے نیں .اشتر ہوا جیہڑا بابل وچ 575 م پ وچ بنایا گیا سی بابل دے ارکینیکچر آرٹ دی وڈی نشانی اے تے ایذا کج حصہ پرگامون میوزیم، برلن وچ ہے .گیوئل شیرنی 5000 ورے پرانی لائم پتھر دی بنی اک مورتی اے .عراق وچ ایہ اوڊوں بنی جدوں پہلے تے لکھن دا ول بنے کئے .دکھنی عراق وچ ارک وچ گول پیپ ورگیاں مہبران تے بنیاں مورخان کہانی ساندان اک نوپکلا ول سی .ایہ مہبران پتھر مٹی یا کسے بور شے دیاں وی بنیا ہوسکدیاں سس .رات دی رانی عراق چوں لمبی کوئی 3800 ورے پرانی پتھر تے بنی عورت دیوی دی بتی اے جیدے پیر پتھچی ورگے دوالے پر، سچے کھبے شیر تے الو نیں .گڈیا دی بتی 2144 - 2124 م پ ورے پرانی اے .ار دا سنینڈرہ، گھڑی بکری، تانبہ بلد تے گدھ دی یادگار پرانے عراق دے آرٹ دیاں منیاں پرمتیاں نشانیاں نیں .لکھاتی دا ول بنن نال پرانے عراقی لکھناں وچ وی اپنے آپ نوں دسدے نیں .گلگاشی 17 صدی م پ وچ لکھی گئی ایدے وچ سمیری تے اکادی دیوتاواں دیاں کہانیاں نیں .انرابسس، اکادی ویلے دی اک لکھت اے جیدے وچ ہر آن دی کہانی دسی گئی اے .بابل دیاں لکھناں وچ سب توں مٹی پرمتی لکھت انوما الیش اے جیدے وچ ایس کائنات دے بنن دی کہانی دتی گئی اے

پرانہ مصر ملکہ نیفریتیتی پرانا مصری آرٹ 5000 م پ توں لے کے 300 تک دے ویلے تک پھیلی ہوئی مصری ریتل دی نشانی اے تے ایہدے وچ مورخان، بتیاں، آرکینیکچر تے رلدیاں چیزاں آندیان نیں .ایہ مصری آرٹ پرانیاں قبراں تے یادگاری تھانواں توں لمبا تے اینج ایدھے وچ مرن مگروں جیوں

تے پرانی جانکاری نوں پچان تے زور اے۔ ایہ آرٹ 3000 م پ توں لے کے تہجی صدی تک تے اچیچے دوسرے تے تیسرے تیر ویلے وچ بنیا 3000 ورے دے لمے ویلے وچ ایدا تے باہر دا کوئی اثر ناں پیا تے جس ودیا ول نال ایہ ثریا تے بنایا گیا انت تک اتج دا ای ریا۔ ایس ویلے دا منیا آرنسٹ بیبلو پگاسو مصری آرٹ توں اثر لیندا اے۔ مصر اک سکا دیسی ہون باجوں ایٹھے بنیاں مورٹاں ٹھیک ملیاں نیں۔ مصر دیاں بتیاں وچوں سب توں چوکھیاں جانیان جان والیاں رامسیس II، اخناتون، نیفریتیتی، اوسکورن، II، امنہوئپ، III، منکار تے تنخامون نیں۔ مصری پانڈے پتھر توں لے کے مٹی نال بندے س تے اوہنے تے کالے یا رنگے نقشی بنے ہوندے س۔ ایہناں وچ عام کر وچ ورتن دے پانڈے مرتبان، کڑے نیں۔ مصری مندران، محلان، برماں، قبران، تے بور کونھیاں نوں بنان وچ اث، لائم پتھر، ریتلا پتھر تے گرینائٹ ورتے گئے۔ لکڑ تھوڑی ہون باجوں ایدا ورتن تھوڑا اے۔ خوفو دا ابراہ، ایوالہول، کرناک، لکسر، ادفو دے مندر ایڈے وڈے ادھارن نیں۔ مصری لکھتاں تے مورٹاں بنان لئی پمپائرس ورتدے س۔ ایہ اک ہونے توں بنایا جاندا سی۔ ایڈیاں نشانیاں مصر دے سکے موسم وچ رہ گیا بور کلاسیکی دنیا وچ وی ایدا ورتن سی پر کتے بور ناں رہیاں۔

پرانہ یونان پرانا یونانی آرٹ بتیاں، آرکیئیکچر، پانڈے تے مورٹاں وچ دسد اے تے ایس تے یورپ تے ایشیاء وچ پاکستان تک اپنے رنگ چھڈے نیں۔ یونانی پانڈے وکھریاں ویلیاں وچ وکھریاں ولان تے نمونیاں وچ بندے س۔ پانڈے جتان وچ مرتبان تے پلیناں تے عام زندگی دیاں مورٹاں بنیاں ہوندیاں س۔ یونانی آرکیئیکچر اپنی شان، سادگی تے سوبتپ وچ اپنی ادھارن آپ اے۔ پرگامون، پارٹھینن، بیفسس دا مندر ویکھن والیاں تھانوان نیں۔ مائلو دی وینس، سیموتھریس دی ٹائیکے، یونانی بتیاں دیاں ودیا ادھارن نیں۔

دکھنی ایشیاء دکھنی ایشاء وچ آرٹ دی ریت بڑپ ریتل توں تری ہونی اج دے ویلے تک اپدی اے۔ بانڈے بتیاں آرکیئیکچر، مورٹاں تے ایہ آرٹ ویکھیا جاسکدا اے۔ مہنچودازو دی نچدی کڑی، پنڈت بادشاہ، مہراں جنہاں تے ہاتھی بلد تے سواستیکا بنے ہوئے س، تے مٹی دے وڈے مرتباناں تے پانڈیاں تے مورٹاں اوس ویلے دے آرٹ دا وکھالہ نیں۔ بت بنانا ہندو جین تے بدھ مت دی ریت رتی اے۔ اجنتا دے غار پرانی ہندستانی بتی دی اک ودیا تھان اے۔ ہندو بزاراں وریاں توں اپنے دیوی دیوتاواں وشنو،شیوا،لکشمی،گنیش،ہنومان،اندرارام تے سوسوتی دیاں مورٹاں تے بتیاں بنا کے مندران تے کراں وچ رکھدے آئے نیں۔ اٹلے پنجاب وچ گندھارہ بدھ مت دے آرکیئیکچر دی وڈی تھان سی۔ ایہ بتیاں بدھ تے اودے جیون دے دوالے نیں تے ویلے نال ایہناں دے بنان وچ تبدیلیاں آتیاں تے یونانی رنگ وی دسد اے۔ مغل راج ویلے ایرانی رنگ موراں وچ دسد اے۔ مغل راج ویلے دیاں مورٹاں مغل بادشاہواں تے اویساں دے جیون دے دوالے ای بنیاں نیں۔ کانکرہ راجپوت تے پنجاب مورٹاں بنان دے مغلان مگروں وکھرے سکول س۔ مورٹاں دے ول نوں انگریزاں تے آکے اپنا رنگ وی چاڑیا۔ قطب مینار قطبادین ایک دی جت تے دلی وچ بنایا گیا اک مینار اے۔ آرکیئیکچر وچ پرانے قلعیاں مندران دے مگروں مغل ویلے وچ مغل آرکیئیکچر ہندستان دی پہچان ہندا اے۔ تاج محل، بادشاہی مسجد، شالامار باغ، شاہی قلعہ۔ مغل آرکیئیکچر دے کج شان نیں۔

اسلامی خطاطی اسلامی خطاطی:۔ یہ ایک فن ہے، جو لکھنے سے تعلق رکھتا ہے۔ بالخصوص عربی حروف، خوبصورت انداز میں لکھنے کا فن [1]اس فن کو اسلام سے جوڑدیاگیا، اس کی وجہ عربی زبان میں یہ فن مقبول ہونا ہے۔ اسلامی سماج میں قرآن کی اہمیت اور اس کی تحریر اور تحفظ، اس فن کو فروغ ہونے میں کامیابی ملی۔ [2] یہ فن عربی زبان ہی میں نہیں بلکہ، فارسی، ترکی، اردو، آذری زبانوں میں بھی عام ہے۔

خطاطی، بحیثیت اسلامی فن، کافی سرائی گئی۔ مذہب اسلام کے ماننے والے دنیا کے مختلف ممالک میں ہیں، اور مختلف زبانیں بولتے ہیں۔ یہ فن، مسلمانوں کی مختلف زبانوں کو جوڑنے کا کام کیا ہے۔ عربی، فارسی، اردو، سندھی، آذیری، ترکی وغیرہ زبانوں میں بھی یہ فن مقبول ہوا۔ قرآن کی کتابت میں یہ فن بہت ہی کارآمد رہا۔ چھاپہ مشین ایجاد ہونے سے پہلے، کاتب حضرات ہی ان زبانوں میں کتابت اور اشاعتوں کا بیڑا اٹھایا۔ عثمانیہ دور میں ’دیوانی‘ خط عروج میں آیا۔ دیوانی خط کا ایک روپ ’جلی دیوانی‘ یا ’دیوانی الجالی‘ ہے۔ رفتہ رفتہ، ’رقع‘ خط کا ارتقاء ہوا۔ اشیاء خطاطی[ترمیم] رواجی طور پر خطاطی کے لیے، قلم، دوات اور رنگ اہم ہیں۔ * قلم:۔ خطاطی کے لیے مخصوص قلم بنائے جاتے ہیں۔ ”برو“ یا ”بائس“ یا ”بمبو“ کے قلم مشہور ہیں۔ قلم کی نوک، حروف کی چوڑائی کے مطابق بنائے جاتے ہیں۔ حروف جتنے چوڑے، قلم کی نوک اتنی چوڑی۔ * دوات:۔ دوات، شہی، اور ہمہ قسم کے رنگ بھی استعمال ہوتے ہیں۔ خطاطی سکھانے کے کئی مراکز بھی ہیں۔ شہر حیدرآباد دکن میں، اردو اکیڈمی، انجمن ترقی اردو، عابد علی خان ٹرسٹ، آج بھی خطاطی میں ٹریننگ دے رہے ہیں۔

مساجد اور خطاطی[ترمیم] اسلامی “مسجد خطاطی“ یہ بھی اسی فن کا ایک جز ہے۔ مسجدوں کی، میناروں کی تعمیرات میں اس فن کو دیکھا جاسکتا ہے۔ مساجد میں قرآنی آیات، میناروں پر کنبیوں پر، اندرون گنبد پر قرآنی کلمات کا لکھا جانا فن تعمیر-فن خطاطی کا ایک مرکب ہے۔

عبارت بسم اللہ الرحمن الرحیم، اور اللہ - محمد صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم، مساجد میں لکھنا ایک عام رسم ہے۔ ان کے علاوہ، قرآنی آیات کا لکھا جانا بھی عام ہے۔

عربی زبان عربی (العربيةal-ʿArabiyyah یا عربي/لغة عربية Darabī)، سامی زبانوں میں سب سے بڑی ہے اور عبرانی اور آرامی زبانوں سے بہت ملتی ہے۔ جدید عربی کلاسیکی عربی زبان(فصیح عربی یا اللغة العربية الفصحی) کی تھوڑی سی بدلی ہوئی شکل ہے۔ فصیح عربی قدیم زمانے سے ہی بہت ترقی یافتہ شکل میں دہی اور قرآن کی زبان ہونے کی وجہ سے زندہ ہے۔ فصیح عربی اور بولے جانے والی عربی میں بہت فرق نہیں بلکہ ایسے ہی ہے جیسے بولے جانے والی اردو اور ادبی اردو میں فرق ہے۔ عربی زبان نے اسلام کی ترقی کی وجہ سے مسلمانوں کی دوسری زبانوں مثلاً اردو، فارسی، ترکی وغیرہ پر بڑا اثر ڈالا ہے اور ان زبانوں میں عربی کے بے شمار الفاظ موجود ہیں۔ عربی کو مسلمانوں کی مذہبی زبان کی حیثیت حاصل ہے اور تمام دنیا کے مسلمان قرآن پڑھنے کی وجہ سے عربی حروف اور الفاظ سے مانوس ہیں۔ عربی کے کئی لہجے آج کل پائے جاتے ہیں مثلاً مصری، شامی، عراقی، حجازی وغیرہ۔ مگر تمام لہجے میں بولنے والے ایک دوسرے کی بات بخوبی سمجھ سکتے ہیں اور لہجے کے علاوہ فرق نسبتاً معمولی ہے۔ یہ دائیں سے بائیں لکھی جاتی ہے اور اس میں ہمزہ سمیت 29 حروف تہجی ہیں جنہیں حروف ابجد کہا جاتا ہے۔ (Arabic language)

حروف تہجی حروف تہجی سے مراد وہ علامتیں ہیں جنہیں لکھنے کے لیے استعمال کیا جاتا ہے۔ اکثر زبانوں میں یہ مختلف آوازوں کی علامات ہیں مگر کچھ زبانوں میں یہ مختلف تصاویر کی صورت میں بھی استعمال کیے جاتے ہیں۔ بعض ماہرین لسانیات کے خیال میں سب سے پہلے سامی النسل یا فنیقی لوگوں نے حروف کو استعمال کیا۔ بعد میں عربی کی شکل میں حروف نے وہ شکل پائی جو اردو میں استعمال ہوتے ہیں۔ بعض ماہرین ان کی ابتداء کو قدیم مصر سے جوڑتے ہیں۔ اردو میں جو حروف استعمال ہوتے ہیں وہ عربی سے لیے گئے ہیں۔ جنہیں حروف ابجد بھی کہا جاتا ہے۔ ان کی پرانی عربی ترتیب کچھ یوں ہے۔ ابجد ہوز حطی گلمن سعفس قرشت ثخذ ضطغ۔ انہیں حروف ابجد بھی کہتے ہیں۔ علم جفر میں ان کے ساتھ کچھ اعداد کو بھی منسلک کیا جاتا ہے۔ جو کچھ یوں ہیں۔

اس طریقہ سے اگر بسم اللہ الرحمن الرحیم کے اعداد شمار کیے جائیں تو786 بنتے ہیں۔ بعض اہل علم ہمزہ (ء) کو بھی ایک الگ حرف مانتے ہیں اس حساب سے پھر عربی کے انتہیں حروف تہجی بنتے ہیں۔ اردو زبان میں عربی کے ان حروف کے علاوہ مزید حروف استعمال ہوتے ہیں۔ اردو میں ہمزہ سمیت کل 37 حروف ہیں۔ اس کے علاوہ کچھ آوازیں حروف کے مجموعے سے بھی ظاہر کی جاتی ہیں مثلاً کہ، بہ وغیرہ۔ اردو میں فن تاریخ گوئی کی صنف موجود ہے جس میں اشعار یا ایک مصرع سے کسی واقعہ کی تاریخ برآمد کی جاتی ہے۔ اردو میں حروف کے اعداد حروف ابجد جیسے ہی ہیں اضافی حروف کے لیے بھی انہی سے مدد لی جاتی ہے۔ مثلاً ’پ‘ کے اعداد ’ب‘ کے برابر، ’ذ‘ کے اعداد ’د‘ کے برابر، ’گ‘ کے اعداد ’ک‘ کے برابر اور ’ے‘ کے اعداد ’ی‘ کے برابر شمار کیے جاتے ہیں۔